



# نگاهی به تحولات حوزه قم و مشهد معاصر



سیدعباس رهنوی \*

از دوره ورود حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۵۵ ق) به قم فصلی نوین در تاریخ حوزه علمیه قم و به تبع آن در دیگر حوزه‌ها رقم خورد. شیخ عبدالکریم از شاگردان فاضل اردکانی، میرزای شیرازی بزرگ و سیدمحمد فشارکی بود، که پس سالیانی تعلیم و تربیت طلاب در سلطان‌آباد (اراک)، در سال ۱۳۰۰ ش، به دعوت بزرگان حوزه قم در این شهر مذهبی رحل اقامت کردند و شاگردان وی نیز از اراک به قم آمدند و پر گرمی حوزه قم افزودند. وی که از تعالیم مکتب سامرا و روش تربیتی و آموزشی میرزای بزرگ بهره داشت، تجارب خود را در سامان دادن حوزه قم به کار گرفت.<sup>۱</sup>

سیدابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت.<sup>۷</sup> امام خمینی علیه السلام منظومه سبزواری و قسمتی از کتاب *اسفار صدرالمتالهین* را نزد رفیعی خواند. میرزا علی اکبر حکمی یزدی؛ استاد امام خمینی در درس ریاضیات، هیئت و فلسفه بوده است.<sup>۸</sup> ایشان دانش عروض و قوافی و بخشی از فلسفه اسلامی و نیز فلسفه غرب را نزد محمدرضا مسجدشاهی تحصیل کرد.<sup>۹</sup>

مدتی با شرکت عده دیگر از فضلاء حوزه، کتاب «نقد فلسفه داروین» تألیف محمدرضا مسجدشاهی را نزد مؤلف خواند.<sup>۱۰</sup>

امام خمینی بخشی از اخلاق و عرفان را نزد ملکی تبریز فراگرفت.<sup>۱۱</sup> ایشان افزون بر استفاده‌های اخلاق از درس شاه‌آبادی، شرح *فصوص الحکم* و *مصباح‌الانس* و *منازل‌السائرین*<sup>۱۲</sup> و بخش‌هایی از *فتوحات مکیه*<sup>۱۳</sup> را نزد ایشان به پایان برد. سنت اجازه حدیث در دوره حاج شیخ در حوزه قم نیز پررونق بوده است.<sup>۱۴</sup>

در قم آن روز حضور طلبه کاهل و فارغ از تحصیل و تبلیغ و کار تحقیقی ننگ شمرده می‌شد. حاج شیخ طلبه‌ها را می‌آزمود و آنان را به مناطق تبلیغی روانه می‌کرد. حاج شیخ در نظر داشت طلاب با زبان‌های زنده جهان آشنا شوند. گروهی را پس از گزینش از بین فضلا در نزد اهل فن و خیره به علم کلام

حاج شیخ طلبه‌ها را می‌آزمود و آنان را به مناطق تبلیغی روانه می‌کرد. حاج شیخ در نظر داشت طلاب با زبان‌های زنده جهان آشنا شوند. گروهی را پس از گزینش از بین فضلا در نزد اهل فن و خیره به علم کلام و مسائل مورد نیاز و آشنای به زبان‌های خارجی آموزش بدهد و به آنان راه و رسم‌ها را بیاموزند و آن‌گاه برترین‌ها را به کشورهای خارج گسیل بدارد.

حاج شیخ افکار اصلاحی سودمندی درباره حوزه در سر داشت. و توانست به بخشی از آن جامه عمل پوشاند. نظارت بر ورودی‌های حوزه؛ امتحان از درس‌های طلاب، آزمون مبلغان،<sup>۲</sup> احیای سنت اجازه در تبلیغ<sup>۳</sup> اعزام مبلغ به دیگر نقاط<sup>۴</sup> از آن جمله بود. حائری حجره و شهریه دادن به طلاب تازه‌وارد را منوط به گذشت شش ماه از زمان ورود به حوزه

و تحقیق درباره آن‌ها کرده بود.<sup>۵</sup> وی در حد توان به امورات اقتصادی حوزه سامان داد. برای طلاب شهریه برقرار کرد. از زمانی که نظام سربازی به وجود آمد افرادی درحوزه علمیه برای سامان دادن به چگونگی خدمت سربازی طلاب انتخاب شدند. میرزا عبدالحسین صاحب‌الداری که هم مقسم شهریه بود و هم مدیر مدارس فیضیه و دارالشفای سوی آیت‌الله حائری مسئول پی‌گیری امور مشمولان شد.<sup>۶</sup> در دوره حاج شیخ تنوع درسی شگرفی در قم رواج داشت. درس‌های اخلاق و عرفان با حضور مربیان مبرز و اهل عمل در حوزه وجود داشت. افزون بر درس فقه و اصول درس‌های تفسیر، فلسفه، عرفان و ریاضیات نیز تدریس می‌شد. از بررسی استادان امام خمینی به این تنوع آموزشی پی می‌بریم. گفته شده سیدروح‌الله هم‌زمان با فراگیری فقه و اصول، ریاضیات، هیئت و فلسفه را نزد

و مسائل مورد نیاز و آشنای به زبان‌های خارجی آموزش بدهد و به آنان راه و رسم‌ها را بیاموزند و آن‌گاه برترین‌ها را به کشورهای خارج گسیل بدارد. که این طرح به علت‌های گوناگون ناکام ماند و برنامه‌ای که حاج شیخ در پی اجرای آن بود به سرانجام نرسید. به نوشته علیرضا ریحان یزدی:

فراموش نمی‌کنم که در سال ۱۳۱۴ش این‌جانب به وسیله آقای میرزا مهدی بروجردی دعوت شدم تا با فضیلتی که به امر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم، برای تبلیغ در کشورهای بیگانه آماده می‌شدند، همکاری کنم. ما دوازده نفر بودیم که با فراگرفتن علوم مربوطه زیر نظر مدرسین متخصص برای این امر خطیر مهیا می‌شدیم. ولی متأسفانه بعد از مدت کوتاهی، بر اثر اصرار و تقاضای بیشتر محصلین حوزه علمیه برای شرکت در این مؤسسه، حاج شیخ عبدالکریم ناچار شد که به کلی موضوع را متروک اعلام کند. البته ممکن است که علل دیگری هم در کار بوده که باریک‌بینان بر آن آگاهند.<sup>۱۵</sup>

پس از حائری حوزه قم به وسیله آیت‌الله سیدمحمد حجت کوه‌کمری، سیدصدرالدین صدر و سیدمحمدتقی خوانساری اداره می‌شد.<sup>۱۶</sup> به گزارش آقابزرگ تهرانی این برنامه نیز از تدابیر حاج شیخ بود. وی پیرمرد بود و از هدررفتن زحمات خود ترس داشت. سیدصدرالدین صدر در آن زمان در مشهد بود. حائری به برخی از تجار سفارش کرد با صدر تماس گرفته و وی را تشویق کنند به قم بیاید

و آیت‌الله صدر به قم آمد و چشم‌حائری روشن شد. او و سیدمحمد حجت را محل اعتماد و مشاور خود قرار داد. پس از مدتی خوانساری نیز به آن دو پیوست و آن سه ارکان حوزه را تشکیل دادند و با اخلاص و جان‌فشانی حوزه را اداره کردند هر یک گوشه‌ای را گرفت تا آن‌که آیت‌الله بروجردی به قم وارد شد.<sup>۱۷</sup> حوزه در این دوره با مشکلاتی مانند تنوع مدیریت،<sup>۱۸</sup> سختی معیشت و نبود امتحان رسمی<sup>۱۹</sup> روبه‌رو بود. وجود افکار متحجرانه از دیگر مشکلات راه بود.

#### ● تحولات حوزه در زمان آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۲۳ به درخواست علما به قم آمد<sup>۲۰</sup> و وجود ایشان موجب تمرکز مرجعیت و سامان‌گرفتن بهتر حوزه شد و حوزه در عرصه تعلیم و تربیت و کارجمعی و ارتباط با جهان اسلام و توسعه شعائر اسلامی مسیر باارزشی را طی کرد.<sup>۲۱</sup> امتحانات درسی حوزه منظم و شهریه طلاب براساس مرتبه علمی پرداخت گردید. ولی حوزه برای رسیدن به رسالت و اهداف خود نیاز به اصلاح نظام اداری و تشکیلات کارآمدتری داشت.<sup>۲۲</sup> و ایشان نیز بر اثر وجود موانعی نتوانست به همه اهداف اصلاحی خود دست پیدا کند.<sup>۲۳</sup> از کارهای ایشان آزمون و امتحان درسی طلاب بود که البته نهادینه نشد. در مهر ۱۳۲۸ هیئت‌هایی برای رسیدگی به امور طلاب و امتحانات حوزه علمیه تشکیل شد. آیت‌الله بروجردی به حفظ حوزه علاقه زیادی داشتند. مکرر می‌گفتند:

تعیین رتبه گردد و ... از آن هیئت چند نفری برای گرفتن امتحان انتخاب شدند. این کار زود به جریان افتاد. سطح‌ها و مدت تحصیل (که عبارت بود از سه سطح) درس‌های اصلی و جنبی هر سطح و کتاب‌های مربوط به هر بخشی را روشن کردند.

برنامه امتحان‌های حوزه، کیفیت پرداخت

شهریه‌ها، اخذ وجوهات، ملاقات

اشخاص با زعیم حوزه علمیه و

... از مواد این طرح بوده است.

آقایان حاضر در جلسه امضا

کرده بودند و برای تأیید نهایی

توسط آقای مرتضی حائری و

حاج عبدالحسین فقیه‌رشتی

خدمت آیت‌الله بروجردی داده

بودند. آیت‌الله بروجردی برای

من توضیح دادند.

شب گذشته سحر برای

گرفتن وضو بیدار شدم. از

نوشته دیشب که بعضی از

مواد آن به چشم خورده بود یادم آمد ولی

آن وقت دقت نکرده بودم. نوشته را دوباره به

دقت خواندم. تعجب کردم، زیرا دیدم در این

طرح تمام اختیارات از من سلب شده است

صبح به حاج احمد گفتم آقایان را دعوت

کند تا ببینم مقصودشان از این مواد که مرا

به کلی مسلوب‌الاختیار کرده است چیست؟

صبح جمعه آقایان در منزل آیت‌الله بروجردی

اجتماع کردند. من هم شرکت کردم. قبل

از شرکت من مسائلی پیش آمده بود که

حوزه قم مثل شهری است که دروازه ندارد.

حوزه به روی اشخاص مختلف باز است. افراد

صالح و ناصالح از هم ممتاز نمی‌شوند. ای

کاش نظم و برنامه‌ای بود. این آرزو را در

جاهای مختلف ابراز می‌داشتند. به دنبال این

موضوع هیئتی را مرکب از چند نفر از آقایان

حوزه در مهر ۱۳۲۸ تشکیل دادند<sup>۲۴</sup> که نظریات

اصلاحی خود را برای اداره حوزه

بعد از مشورت بگویند. به این

هیئت اصطلاحاً هیئت حاکمه

می‌گفتند. آیت‌الله بروجردی

به آنان اختیار داده بودند که

مصالح حوزه را بسنجند و بر

این اساس عمل کنند. اعضای

این هیئت تا آن‌جا که یادم

هست عبارت بودند از:

مرحوم امام خمینی<sup>ره</sup>،

حاج شیخ مرتضی حائری،

حاج سیداحمد زنجانی، حاج

سیدابوطالب مدرسی، مرحوم

آیت‌الله فاضل، حاج سیدزین‌العابدین

کاشانی، مرحوم سیدمحمد یزدی (محقق

داماد)، حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی، حاج

سیدمرتضی مبرقعی، حاج مصطفی صادقی،

آقای قاضی تبریزی، حاج میرزامحمود

روحانی، حاج ریحان‌الله گلپایگانی، حاج آقای

فقیه‌رشتی، بنده و ... جلسات هر شب در

مدرسه حاج ملاصادق برگزار می‌شد. یکی از

برنامه‌هایی که ریخته شد موضوع امتحانات در

حوزه بود: چه درس‌هایی امتحان گرفته شود،

یکی از برنامه‌هایی که ریخته شد موضوع امتحانات در حوزه بود: چه درس‌هایی امتحان گرفته شود، تعیین رتبه گردد و ... از آن هیئت چند نفری برای گرفتن امتحان انتخاب شدند. این کار زود به جریان افتاد. سطح‌ها و مدت تحصیل (که عبارت بود از سه سطح) درس‌های اصلی و جنبی هر سطح و کتاب‌های مربوط به هر بخشی را روشن کردند.

آیت‌الله بروجردی اعتراضاً جلسه را ترک و به اندرونی رفته بودند. بنده رفتم به اندرونی و به ایشان عرض کردم گویا حضرت عالی عصبانی شده‌اید؟ گفتند: چگونه عصبانی نشوم؟

متأسفانه زمینه‌ای پیش نیامد تا کسی توضیح بدهد که آقا مقصود از این ماده این است که بعضی بدون این که شرایط را داشته باشند نزد حضرت عالی می‌آیند و شما را در شرایط و محذوراتی قرار می‌دهند که ناگزیر می‌شوید مبلغی را به آنان بدهید از این رو شناسایی مستحق از غیرمستحق لازم است. و ما به‌عنوان کمک به شما بررسی می‌نماییم و کسانی که مستحق باشند به شما معرفی می‌کنیم. آن‌گاه حضرت عالی اقدام کنید. پرداخت وجوه را مشروط به نظر هیئت نمایید تا مشکلی برای حضرت عالی پیش نیاید. غرض سلب اختیار از شما نیست بلکه همکاری با شماست. به‌هرصورت ایشان در جلسه حضور یافتند. پس از این جلسه، ارتباط بعضی آقایان (از جمله امام خمینی علیه السلام و آقا مرتضی حائری) با آیت‌الله بروجردی کم شد. ۲۵

به گزارشی، امام خمینی به همراه دو نفر از هم‌فکران خود طرحی برای نظام‌مندسازی حوزه به آیت‌الله بروجردی ارائه کردند. اداره و مصرف موقوفات کشور زیر نظر مرجع تقلید از محورهای این طرح بود. ۲۶ ولی به دلیل کارشکنی برخی از افراد بیت آیت‌الله بروجردی به مرحله اجرا راه نیافت. ۲۷

در دوره آیت‌الله بروجردی درس‌های عقلانی

و حکمت بر اثر فشار عده‌ای از علما تعطیل شد. علامه طباطبائی در پی فتنه‌انگیزی‌ها و چپ‌روی‌های جعفر پیشه‌وری از تبریز به قم آمده بود و برای معرفی عقلانی دین و پاسخ به شبهه‌های مادی‌گرایان و مارکسیست‌ها درس فلسفه و حکمت در قم شروع کرده بود. ولی بر اثر فشار عده‌ای نتوانست به این درس ادامه دهد. فضای ضد فلسفی حوزه قم در آن برهه چنان بود که کوزه‌آبی که سیدمصطفی فرزند امام خمینی از آن آب خورده بود، به جهت تدریس فلسفه توسط امام آب کشیده شد. ۲۸

از دیگر اقدامات ناتمام بروجردی آشناکردن طلاب با زبان‌های خارجی برای تبلیغ در خارج از کشور بود به گفته آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی (۱۳۹۳ش):

در همان دوره‌ای که درس فقه و اصول و درس خارج می‌خواندیم به تشویق ایشان برای خواندن درس‌های جدید به تهران آمدم. من و برخی دوستان تقریباً سه سال تابستان‌ها در تهران به معلومات جدید و زبان خارجی مجهز شدیم و این دوره را به دستور ایشان در مدرسه علوی گذارندیم. آن زمان آیت‌الله بروجردی با مرحوم علامه کرباسچیان و اشخاصی که در مؤسسه مدرسه علوی بودند ارتباط داشتند و آن‌ها را تأیید می‌کردند.

یکی از دلایل آیت‌الله بروجردی مبنی بر تشویق ما برای یادگیری فنون جدید این بود که ما باید برای تبلیغ به خارج از کشور برویم. در آن زمان در قم وضعیت به‌گونه‌ای بود که

کارهای ماندگار دوره آیت‌الله بروجردی بود که خود فرصت اتمام آن را نیافت.<sup>۳۰</sup>

گفته شده تحجر و کوتاه فکری و ترس از تحول از علل مخالفت با تدریس فلسفه و نیز تحول و دگرگونی در برنامه‌های حوزه بوده است و نیز بی‌توجهی به جهان اسلام موجب شد که

موضوع تقریب پس از درگذشت ایشان به فراموشی سپرده شد.

کمبود بودجه برای انجام طرح‌های اصلاحی از دیگر موانع بود. گفته شده شخصیت‌هایی مانند استاد مطهری به دلیل سختی معیشت حوزه را ترک کرد. به گفته استاد علی دوانی: علامه که از پرداخت اجاره منزل خود ناتوان بود پیشنهاد وی برای تحول کتاب‌های درسی فلسفی را رد کرد گرچه ایشان بعدها این کار را جامه عمل پوشاند و دو کتاب درسی *بدایة‌الحکمه* و *نهایة‌الحکمه* را نوشت. در مشهد با فلسفه به شدت مخالفت می‌شد و نیز علمای نجف با نوشتن تعلیفه *بربحارالانوار* (و نقد نظریات مجلسی درباره فلسفه) از سوی ایشان مخالفت کردند که ایشان آن را متوقف کرد.<sup>۳۱</sup>

برخی از اطرافیان آیت‌الله بروجردی به شدت با اصلاحات مخالفت و آن را توطئه برای کم کردن اختیارات ایشان شمردند.<sup>۳۲</sup> گفته شده برخی از بازرگانان تهدید کرده بودند در صورت تدریس زبان خارجی به حوزه

تحجر و کوتاه فکری و ترس از تحول از علل مخالفت با تدریس فلسفه و نیز تحول و دگرگونی در برنامه‌های حوزه بوده است و نیز بی‌توجهی به جهان اسلام موجب شد که موضوع تقریب پس از درگذشت ایشان به فراموشی سپرده شد.

هر کس انگلیسی می‌خواند و در صدد یاد گرفتن این زبان بود، می‌گفتند این طلبه نیست و از زنی طلبگی خارج شده و می‌خواهد دانشگاهی بشود. اما ایشان اصرار داشت طلبه‌ها برای تبلیغ باید به خارج بروند و شرط لازم این کار یادگیری زبان خارجی است که این

نشانه روشن‌بینی ایشان نسبت به گسترش اسلام بود، که اسلام نباید فقط در قم و در حوزه‌ها بماند.<sup>۲۹</sup> که البته این برنامه نیز درحوزه نهادینه نشد.

#### ● تقریب مذاهب اسلامی

ارتباط آیت‌الله بروجردی با جامعه الازهر مصر و دارالتقریب مذاهب اسلامی از موضوعات مهم جهان اسلام بود که تداوم آن می‌توانست مشکلات بسیاری را از سر راه مسلمانان بردارد. ایشان از کارهایی که مسلمانان را از تقریب و وحدت بازمی‌داشت نهی می‌کرد و نسبت به مسائلی که موجب برداشت‌های غلط از تشیع می‌شد برخورد می‌کردند ایشان از ساختن مهرهایی که مهر نماز رویش عکس گنبد و بارگاه یا حتی اسم امام حسین علیه السلام بود و نیز از بوسیدن عتبه حضرت معصومه علیها السلام نهی می‌کرد. آیت‌الله بروجردی در درس از شیخ محمد عبده و شرح *نهج‌البلاغه* وی یاد می‌کرد.

احیای برخی از آثار مهجور شیعه و نیز طرح تدوین جامع احادیث شیعه از دیگر

کمک نخواهند کرد و ایشان آن را هم متوقف کرد. ۳۳

امام خمینی علیه السلام مقدس نمایان را از موانع تحول در این مرحله می‌شمرد:

این‌گونه افکار ابلهانه که در ذهن بعضی وجود دارد به استعمارگران و دولت‌های جابر کمک می‌کند که وضع

کشورهای اسلامی را به همین‌صورت نگه دارند و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند. این‌ها افکار جماعتی است که به مقدسین معروفند و در حقیقت مقدس‌نما هستند نه مقدس. باید افکار آن‌ها را اصلاح کنیم و تکلیف خود را با آن‌ها معلوم سازیم. چون

این‌ها مانع اصلاحات و نهضت ما هستند و دست ما را بسته‌اند. روزی مرحوم آقای بروجردی، مرحوم آقای حجت، مرحوم آقای صدر و مرحوم آقای خوانساری رضوان‌الله علیه‌هم برای مذاکره در يك امر سیاسی در منزل ما جمع شده بودند. ۳۴ به آنان عرض کردم، که شما قبل از هر کار تکلیف این مقدس‌نماها را روشن کنید. با وجود آن‌ها مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و یک نفر هم محکم دست‌های شما را گرفته باشد. این‌هایی که اسم‌شان مقدسین است نه مقدسین واقعی و متوجه مفاسد و مصالح نیستند دست‌های شما را بسته‌اند و اگر بخواهید کاری انجام بدهید، حکومتی

را بگیرید، مجلسی را قبضه کنید که نگذارید این مفاسد واقع شود آن‌ها شما را در جامعه ضایع می‌کنند. ۳۵

#### ● حرکت‌های ماندگار

حوزه علمیه به‌عنوان نهادی فرهنگی مذهبی از دوره آیت‌الله بروجردی برای ترویج افکار خود رسماً وارد عرصه مطبوعات

شد. «نشریه حکمت» در سال ۱۳۳۱ در قم منتشر شد. نیز «درس‌هایی از مکتب اسلام» در سال ۱۳۳۷ش، که با مدیریت آیت‌الله مکارم‌شیرازی و جعفر سبحانی و با نویسندگی افرادی مانند سیدموسی صدر، استاد علی دوانی و با تأیید

آیت‌الله بروجردی آغاز و پس از ایشان ادامه پیدا کرد مجله «مکتب اسلام» از معدود نشریات حوزوی بود که می‌کوشید اندیشه‌های نو مذهبی را که در قم پدید می‌آمد و البته متأثر از جریان‌های نوگرایی اسلامی در تهران بود، به مشتاقان عرضه کند. ۳۶ پس از انتشار مجله «مکتب اسلام»، حدود سی‌نامه اعتراض‌آمیز برای آیت‌الله بروجردی ارسال شد تا از انتشار آن جلوگیری شود ولی ایشان در مقابل همه آنان ایستاد و از ادامه انتشار مجله پشتیبانی کرد. این نشریه به علت موضع‌گیری در برابر اوضاع فرهنگی جامعه چندبار توقیف شد که با حمایت و سفارش آیت‌الله بروجردی رفع توقیف گردید. ۳۷

استعداد محصلین علوم دینی تنظیم گردیده بود، در پنج مرحله به شرح زیر اجرا می‌شد: اول؛ دوره مقدمات، که شامل ادبیات عربی، صرف و نحو و تجزیه و ترکیب، منطق، خط، املا و انشا، ریاضیات، حفظ قرآن، دعا‌های وارده و احادیث اخلاقی می‌شد و به مدت سه سال طول می‌کشید.

دوم؛ این دوره نیز سه سال استمرار می‌یافت و شامل: معانی، بیان و بدیع، اصول، فقه در حد معالم، فقه در حد شرح لمعه، عقاید در حد شرح لمعه، عقاید در حد باب حادی عشر و تاریخ می‌شد.

سوم؛ که دوره پنج ساله بود. طلاب در این مرحله به تعلیم رسائل، کفایه، مکاسب، شرح تجرید در اعتقادات، آشنایی به ادیان و مذاهب و تفسیر می‌پرداختند.

چهارم؛ دوره چهار ساله تخصصی فقه و اصول بود که در مدرسه امام صادق علیه السلام دایر می‌گردید.

پنجم؛ تخصص در سایر علوم اسلامی بود که طلاب به حسب ذوق خود وارد این مرحله گردیده و به مطالعه و تحقیق می‌پرداختند.

وی طلاب متعهد را یاری می‌نمود و در همه این مراحل، امتحانات ماهانه و سالانه و ارتقای رتبه و حضور و غیاب و کنترل کیفیت دروس نیز با جدیت پی‌گیری می‌شد. آیت‌الله میلانی برای خراسان برنامه‌های تبلیغی منظمی را سامان داد. ۳۸ اصلاحات آیت‌الله میلانی اندیشمندان حوزوی چون محمدتقی شریعتی را با وی پیوند داد. میلانی از

مهم‌ترین ویژگی مجله، آموزش و روشن‌گری و تربیت جوانان اسلام‌گرای بود که در روند شکل‌گیری انقلاب تأثیرگذار بودند. «مکتب اسلام» توانست بخش زیادی از نیازهای دینی پیش از انقلاب را برآورده کند و مورد استقبال گسترده مردم قرار گیرد و نقش مؤثری در تحول حوزه و جامعه اسلامی ایفا کرد.

نشریه «مکتب تشیع» از نشریاتی بود که با رویکرد انقلابی در سال ۱۳۳۸ به وسیله هاشمی‌رفسنجانی و محمدجواد باهنر در قم منتشر گردید. علامه طباطبایی، استاد مطهری و محمدحسین بهشتی از نویسندگان آن بودند. مدرسه منتظریه، از مدارس نوآور حوزوی بود که در زمان حیات آیت‌الله بروجردی تأسیس و پس از ایشان تداوم و گسترش پیدا کرد.

#### ● حرکت اصلاحی آیت‌الله میلانی در مشهد

آیت‌الله میلانی از شاگردان ممتاز محمدحسین اصفهانی در سال ۱۳۳۴ش، از کربلا به مشهد آمد و حوزه مشهد که در دوره رکود خود به سر می‌برد را احیا کرد. ایشان افزون بر کمک به مدارس نوین قم حرکت اصلاحی را در حوزه اختیارات خود در مشهد پی گرفت. وی افزون بر تدریس درس خارج سلسله مدرسی از جمله مدرسه امام صادق علیه السلام را تأسیس کرد. در این مدارس استادان گزینش می‌شدند درس‌های اعتقادی و اخلاق در آن گنجانده شده و از طلاب امتحان گرفته می‌شد برنامه‌های درسی ایشان که بر حسب



مهم‌ترین حامیان کانون تبلیغی نشر حقایق اسلامی به بنیان‌گذاری شریعتی بود. میلانی در نهضت ۱۵ خرداد با امام خمینی همراه بود، عواملی موجب شد که آیت‌الله میلانی نتواند به آرزوهای خود جامعه عمل پوشاند و فعالیت‌های ایشان از محدوده مدارس ایشان فراتر نرفت. چه بسا بتوان ناتوانی عوامل بیت ایشان در تحمل این مسئولیت و نیز بی‌توجهی برخی از فرزندان ایشان به راه امام خمینی و همراهی با مخالفان معظم‌له را از عوامل آن شمرد.<sup>۳۹</sup>

#### ● پس از بروجردی

پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی فعالیت‌های ثمربخشی برای تحول حوزه انجام شد. با درگذشت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ش، حوزه و جامعه تشیع با خلأ مرجعیت متمرکز روبه‌رو شد و شخصیت‌های موجود به تنهایی نمی‌توانستند جای ایشان را پر کنند. به گزارشی، آیت‌الله سیدمحمد بهبهانی در روز هفتم رحلت آیت‌الله بروجردی، تمامی کسانی که در مظان مرجعیت بودند و جزو بزرگان قم محسوب می‌شدند، نظیر آیات: سیدروح‌الله خمینی، مرتضی حائری، محمدرضا گلپایگانی، سیدشهاب‌الدین نجفی‌مرعشی، سیدکاظم شریعتمداری، سیدمحمد محقق داماد، سیداحمد زنجانی، لنگرودی، روح‌الله کمالوند از خرم‌آباد را دعوت و بعد از تشکیل جلسه خطاب به حاضران گفت: این حوزه را بعد از آقای بروجردی آقایان باید اداره کنند.<sup>۴۰</sup>

در شهریور ۱۳۴۰، عده‌ای از متفکران حوزوی و دانشگاهیان هم‌افق با روحانیت به منظور چاره‌جویی درباره مرجعیت نشستی را به مدیریت انجمن اسلامی دانشجویان در تهران برگزار کردند. این مباحث عرصه‌های جدیدی را در خصوص نقش و عمل‌کرد اجتماعی و سیاسی حوزه و نهاد مرجعیت گشود. ماحصل مباحث و سخنرانی‌های این کنگره، در کتابی با عنوان «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» منتشر شد. به گفته نویسنده مقدمه این مجموعه:

محققان این مجموعه ابتدا در صد آن بوده‌اند که «نماینده‌ای صالح و دارای شرایط برای مرجعیت را معرفی کنند تا شیعیان پس از رحلت آیت‌الله بروجردی از او تقلید کنند»، اما در ضمن پژوهش خود متوجه شده‌اند که تحلیل و بررسی مباحث زیربنایی مرجعیت ضروری‌تر است؛ از این رو مباحث این مجموعه به مسائل کلی مرتبط با مرجعیت اختصاص یافته است. علامه طباطبایی، مهندس مهدی بازرگان، مرتضی مطهری، سیدمحمد بهشتی، سیدمحمد طالقانی، سید مرتضی جزائری از نویسندگان این مجموعه بودند.<sup>۴۱</sup>

با هدف تحول در حوزه و رسیدگی به امور آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی طلاب عده‌ای فضلالی حوزه در سال ۱۳۴۰ جامعه مدرسین را تأسیس کردند.<sup>۴۲</sup> امام خمینی پس از تبعید از ایران در سال ۱۳۴۳ از عرصه مدیریت حوزه قم جدا افتاد<sup>۴۳</sup> و گام عده‌ای در جهت اداره و سامان‌دهی حوزه برداشته نشد.

ورودی، مصاحبه، مراقبت از حضور به موقع استاد و طلبه، برنامه کلاسی، دفتر حضور و غیاب محصلان و استادان، استفاده از میز و نیمکت و تخته سیاه، برنامه امتحانی، زنگ و دفتر نمره از برنامه‌های مدرسه بود.<sup>۵۲</sup>

توجه به علمی مانند: تفسیر، علم درایه، و علم رجال، تجدیدنظر در کتاب‌های درسی و تدریس علوم نوین، این مرکز آموزشی را از دیگر مدارس حوزه علمیه قم متفاوت ساخت. به جای جامع‌المقدمات، که دارای سبکی دشوار و قدیمی بود کتاب صرف ساده، تألیف سیدمحمد رضا طباطبایی، تدریس شد و مبادی العربیه شرتونی جانشین شرح سیوطی برالفیه ابن مالک گردید. رسائل (فرائدالاصول) و معالم را علی مشکینی برای تدریس در مدرسه تلخیص و تحریر کرد. کتاب شرح لمعه نیز پس از حذف مباحثی که در زمان حاضر موضوعیت نداشت برای تدریس بازنویسی شد و کتاب «التمهید فی علوم القرآن» نوشته محمدهادی معرفت تلخیص و در این مدرسه تدریس شد.<sup>۵۳</sup> کتاب بدایة‌الحکمه و نهایة‌الحکمه با قلم سیدمحمد حسین طباطبایی برای تدریس دوره حکمت تألیف شد و نیز محمدتقی مصباح‌یزدی فلسفه شهید صدر را درس می داد.<sup>۵۴</sup> البته این حرکت بی‌معارض نبود. برخی اساتید مدرسه به این نهضت نوگرانی معترض بودند<sup>۵۵</sup> که به تدریج بدان رضایت دادند.

هم‌زمان گروه دیگری از فضلای حوزه برای ایجاد تحول در امور تبلیغی دست به کار شدند رهبری این گروه در دست شهید

مدرسه حقانی از آیت‌الله بروجردی با خلاقیت بیشتر به کار خود ادامه داد.<sup>۴۴</sup> این مدرسه را حاج علی حقانی در سال ۱۳۳۹ش، تأسیس کرد. آیت‌الله بروجردی در زمان حیات خود، از مدرسه بازدید و از آن اقدام تجلیل و حمایت کرد.<sup>۴۵</sup> و اقدامات انجام‌شده را مورد تقدیر قرار داد.<sup>۴۶</sup> آیت‌الله میلانی هم بخش عمده مخارج مدرسه را می‌پرداخت،<sup>۴۷</sup> سیدمحمد بهشتی، حسین حقانی، علی مشکینی و شیخ مهدی حائری‌تهرانی اعضای هیئت مدیره آن بودند.<sup>۴۸</sup> به گزارشی مصباح‌یزدی و شیخ احمد جنتی نیز در برنامه‌های مدرسه کمک کردند.<sup>۴۹</sup> برنامه‌های مدرسه شانزده ساله بود، رفع نابسامانی‌های حوزه، ایجاد نظم و تشکیلات، اصلاح متون درسی، نظارت بر اخلاق و انضباط طلاب، تربیت طلاب آشنا به مسائل روز، تدریس برخی از علوم اسلامی که به آن‌ها توجه کافی نمی‌شد، تربیت مجتهدان آشنا به علوم جدید به‌ویژه علوم انسانی و مباحث سیاسی و حقوقی از انگیزه‌های تأسیس مدرسه بود. شیخ علی قدوسی مدیریت مدرسه را برعهده داشت و وی مدیری توانا و باهوش بود. با مصاحبه افراد را می‌پذیرفت. قدوسی، در جذب اساتید سخت‌گیر بود. اخلاق، دانش و توان تدریس، معیار جذب اساتید بود.<sup>۵۰</sup>

درس اخلاق از درس‌های محوری مدرسه بود. استاد علی قدوسی درس اخلاق می‌گفت<sup>۵۱</sup> و رفتار استادان و مربیان مدرسه در تربیت طلاب بسیار مؤثر بود. امتحان

بهشتی بود. به گفته شیخ مهدی حائری: ما برای این که خودمان را جهت تبلیغات دینی برای اشاعه فرهنگ به خارج از کشور آماده کنیم یک کلاس تشکیل دادیم. بنده با مرحوم شهید بهشتی صحبت کردم و در دبیرستان دین و دانش قم حدود پانزده، شانزده نفر از جمله آقای هاشمی رفسنجانی آقای مصباح‌یزدی، آقای ربانی‌شیرازی، آقای خسروشاهی، آقای ابراهیم امینی، آقای شاه‌آبادی و بنده بودیم این کلاس شروع شد یک قسمت برای علوم طبیعی تشکیل دادیم که آقای استاد رضوانی می‌آمدند و تدریس می‌کردند و یک قسمت هم برای تدریس زبان انگلیسی و یک قسمت هم برای برنامه نویسندگی تشکیل می‌شد. حق الزحمه استاد را هم من تأمین و تقبل می‌کردم و این کلاس‌ها پربار بود. سرپرستی کلاس‌ها با خود آقای دکتر بهشتی و رفقا بود که در این سه قسمت کار می‌کردند.<sup>۵۶</sup>

#### ● مدارس آیت‌الله گلپایگانی

بسیاری از پیشکسوتان حوزه، مدرسه علوی وابسته به آیت‌الله گلپایگانی، تأسیس شده در سال ۱۳۴۰ش را در شمار نخستین مدارس با برنامه یاد کرده‌اند. این مدرسه به پیشنهاد و همت شهید بهشتی و ربانی‌شیرازی برنامه خود را آغاز کرد.<sup>۵۷</sup>

آیت‌الله خامنه‌ای، نیز در تقدم آیت‌الله گلپایگانی در راه‌اندازی مدارس تحت برنامه گفته‌اند:

من بارها به دوستان گفته‌ام در شهر قم

و حوزه قم اولین مدرسه‌ای که به صورت «برنامه‌ای» درست شد، مدرسه حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی بود، سی سال پیش، قبل از مدرسه حقانی، مدرسه ایشان بود. ایشان مرحوم شهید بهشتی را برای این کار بردند.<sup>۵۸</sup> نیز حسن روحانی از محصلان این مدرسه درباره آن گفته است: در سال ۱۳۴۰ شمسی، در مدرسه آیت‌الله گلپایگانی (علوی) و به ابتکار شهید بهشتی، برای اولین بار شیوه جدیدی اعمال شد و مسئولیت اجرای این برنامه با ایشان و آقای ربانی‌شیرازی بود. این دو نفر اولین بار طرح خود را در مدرسه علوی پیاده کردند که با هماهنگی و نظر مساعد آیت‌الله گلپایگانی بود.<sup>۵۹</sup> به گفته استاد محسن قرائتی، آیت‌الله مشکینی نیز در مدیریت مدرسه با شهید بهشتی و ربانی مشارکت داشت.<sup>۶۰</sup> در این آموزشگاه افزون بر درس‌های رسمی حوزه، درس‌های نوینی تدریس می‌شد. از جمله: ریاضیات، ادبیات فارسی (گلستان سعدی)، خطاطی، استاد آن حجت‌الاسلام صفی بود، انشا و نگارش که در آن حجت‌الاسلام طالقانی علاوه بر آموزش قواعد نگارش، به شکل کارگاهی، موضوعاتی جهت نوشتن مقاله به طلاب ارائه می‌کرد، حفظ قرآن و سیره پیامبر ﷺ به مدرسی شهید بهشتی، شهید بهشتی هر هفته، از طلاب امتحان حفظ قرآن می‌گرفت فقه (کتاب عروة الوثقی) با تدریس حجت‌الاسلام حرم‌پناهی، مکالمه و محاوره عربی به وسیله حجت‌الاسلام خاقانی، و درس اخلاق توسط

درس می‌خوانند؛ نه برای نمره. شهید بهشتی بین این دو منافات نمی‌دید. وی بر آن بود برنامه‌ای جداگانه را در مدرسه علوی به اجرا درآورد که به علت اختلاف با بیت آیت‌الله گلپایگانی بر برخی از مواد درسی از جمله زبان انگلیسی و نداشتن استقلال

عمل در برنامه، برنامه‌های خود را به جای دیگر منتقل ساخت.<sup>۶۴</sup>

به گزارش محمدشرف رازی، آیت‌الله گلپایگانی به جز مدرسه علوی مدارس دیگری نیز با برنامه و منظم در قم اداره می‌کرده است.<sup>۶۵</sup> از جمله

مدارس با برنامه ایشان مدرسه المهدی بوده است که اکنون نیز دایر است.

#### ● دَارُ التَّبْلِیغِ اِسْلَامِی

درالتبلیغ اسلامی مؤسسه‌ای حوزوی در قم بود که سید کاظم شریعتمداری آن را در سال ۱۳۴۴ش با هدف تربیت مبلغ دینی و مقابله با تبلیغات ضد دینی و ضد شیعی تأسیس کرد.<sup>۶۶</sup> انتشار مجلات و کتاب، فراهم ساختن امکان تحصیل زنان و طلاب خارجی و آشنایی طلاب با دروس جدید، از فعالیت‌های این مرکز بود بیشتر اساتید این مرکز مانند ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، سید موسی شبیری زنجانی، مرتضی مطهری، سید صدرالدین بلاغی، عطاءالله عاملی از قم و حوزوی بودند، اما برخی هم از تهران و از میان دانشگاهیان دعوت می‌شدند.

آیت‌الله مشکینی که بسیار مؤثر بود.<sup>۶۱</sup> هم‌چنین، شهید بهشتی به مسائل انضباطی مدرسه و رفتار طلاب نظارت و مراقبت می‌کرد و نسبت به رفتارهایی که شاید رنجش همسایگان را برمی‌انگیخت و یا نظافت

مدرسه را برهم می‌زد؛ تذکرات انضباطی می‌داد.<sup>۶۲</sup>

در این مدرسه، ساعات تدریس منظم برگزار می‌شد. حضور و غیاب انجام می‌گرفت و فرصت تنفس مشخصی نیز وجود داشت. شهید بهشتی، به سنت‌های مثبت و سازنده حوزه نیز نظر داشت و به همین

دلیل مباحثه بین طلاب را تشویق می‌کرد اما این سنت را نیز تحت برنامه آورده بود و برای اولین بار، ساعات مشخصی برای مباحثه درس‌ها در نظر گرفته شد. (همان) البته برخی از سنن حوزوی نیز در این برنامه، نادیده گرفته شد که از جمله آزادی شاگرد در انتخاب استاد و بالعکس بود. اساتید مدرسه براساس برنامه از سوی مدیریت تعیین می‌شدند و چه بسا طلاب از طرز بیان یک استاد اظهار نارضایتی می‌کردند.<sup>۶۳</sup>

بعد از پایان هر ثلث، امتحانات کتبی و شفاهی انجام می‌گرفت و تجدید یا مردودی در امتحانات و نمره و معدل برای طلاب عجیب بود و کاملاً تازگی داشت و برخی از طلبه‌ها به شهید بهشتی ایراد می‌گرفتند که این کار با قصد قربت منافات دارد و طلاب برای خدا

شهید بهشتی، به سنت‌های مثبت و سازنده حوزه نیز نظر داشت و به همین دلیل مباحثه بین طلاب را تشویق می‌کرد اما این سنت را نیز تحت برنامه آورده بود و برای اولین بار، ساعات مشخصی برای مباحثه درس‌ها در نظر گرفته شد.

سیدمرتضی شبستری، سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان، علی اکبر پرورش از جمله این سخنران‌ها بودند.<sup>۶۷</sup> استاد مرتضی مطهری نیز در دارالتبلیغ نهج‌البلاغه درس می‌داد. دوره آموزشی اول دارالتبلیغ با ۱۲۵ نفر و دوره دوم با ۱۴۵ نفر از طلاب آغاز شد. برنامه درسی مشتمل بر اصول عقاید، بررسی مذاهب و ادیان دیگر، تفسیر و حفظ قرآن، فقه و اصول (در حد کلیات و به‌طور استدلالی)، علم حدیث و حفظ متون حدیثی، تاریخ اسلام، شناسایی کشورهای اسلامی، ادبیات فارسی و عربی، معلومات عمومی، درس اخلاق و فن خطابه به‌صورت علمی و عملی بود. دارالتبلیغ برای نخستین بار مرکزی برای جذب و تربیت طلاب خارجی و آموزش و سامان‌دهی آنان تأسیس کرد.<sup>۶۸</sup> به گفته شریف رازی تا سال ۱۳۵۲ش، حدود صد طلبه در دارالتبلیغ، تحصیل می‌کردند و تا آن سال صدوپانزده نفر نیز از این مرکز فارغ‌التحصیل شدند.<sup>۶۹</sup>

ایجاد مرکز آموزش برای زنان طلبه نیز برای نخستین بار در دارالتبلیغ صورت گرفت این مرکز نشریات پیام شادی، نسل نو و مجله عربی الهادی را منتشر می‌کرد. چاپ کتاب از دیگر فعالیت‌های آن بود از جمله مسئله حجاب، سیری در نهج‌البلاغه و تعریب علل گرایش به مادی‌گری، و کتاب انسان و سرنوشت از کتاب‌های شهید مطهری.

دارالتبلیغ تلاش می‌کرد تا با برخی نهادهای دینی جهان اسلام در تماس باشد. در سال ۱۳۹۱ق دکتر فحام، رئیس دانشگاه

الازهر به قم آمد و با آیت‌الله شریعتمداری دیدار کرد. در این مجلس چندین نفر از آن جمله شیخ محمدجواد مغنیه از فضلاء لبنان سخنرانی کردند.<sup>۷۰</sup>

از نظر انقلابیون ایجاد چنین مرکزی با آن گسترده و به‌ویژه فعالیت آن در امور بین‌المللی، به نوعی موافقت دستگاه امنیتی رژیم را طلب می‌کرد. این مسئله سبب می‌شد تا دارالتبلیغ، رابطه خود را به شکل محدود با رژیم حفظ کند و توصیه آنان را در مواردی بپذیرد.<sup>۷۱</sup> در شرایطی که در میان روحانیان قم، یک جنبش انقلابی جدی بر ضد پهلوی ایجاد شده بود، تأسیس چنین مرکزی نوعی منحرف کردن مسیر حرکت انقلابی تلقی می‌شد.<sup>۷۲</sup>

امام خمینی علیه السلام نیز نسبت به صلاحیت تبلیغی این مؤسسه تردید داشته است.<sup>۷۳</sup> توضیحات گردانندگان دارالتبلیغ نتوانست ایشان را قانع کند. سیدعلی خامنه‌ای در سال ۱۳۴۳ از طرف آیت‌الله سیدحسن قمی به قم رفت تا از نزدیک دلایل طرفین را جویا شود. امام خمینی شش دلیل در مخالفت خود با دارالتبلیغ آورد که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای این دلایل در آن زمان منطقی بوده است. او سپس نزد آیت‌الله شریعتمداری رفت و دلایل امام خمینی را بیان کرد ولی شریعتمداری آن‌ها را نپذیرفت.<sup>۷۴</sup>

به دنبال کودتای آمریکایی نوژه در اردیبهشت ۱۳۵۹<sup>۷۵</sup> در سال ۱۳۶۱ سیدحسین موسوی تبریزی دادستان وقت طی نامه‌ای

تحصیل علوم دینی بانوان که پیش از انقلاب اسلامی به وسیله پنج نفر از بانوان آبادانی به مدیریت بانوزهره صفاتی و هم کاری شهید بهشتی و شهید علی قدوسی تأسیس شد تحولی نودر حوزه قم بود.<sup>۸۲</sup> که در واقع آن را باید پیش‌زمینه تأسیس جامعه الزهرا و مرکز مدیریت بانوان حوزه علمیه قم به حساب آورد.

#### ● مدرسه آیت‌الله سید موسوی نژاد

این مدرسه واقع در کوچه میرعلمخان مشهد که نگارنده سال‌ها در آن درس خواندم به مدیریت سیدمحمد موسوی نژاد (۱۳۷۵ش) از شاگردان برجسته آیت‌الله خویی از مدارس نمونه و با برنامه بود. استاد بر ورودی‌های مدرسه نظارت داشت و با آنان به‌طور مفصل مصاحبه می‌کرد و پس از اطمینان لازم برای آماده‌بودن شرایط علمی و روانی در فرد برای طلبه‌شدن آنان را می‌پذیرفت. درس‌های این مدرسه که پنجاه سال قدمت دارد و این‌جانب سال‌ها در این مدرسه تحصیل کردم منظم بود و استاد در وقت ورود طلاب از آن‌ها مصاحبه به عمل می‌آورد. علاقه به طلبگی و استعداد لازم برای ادامه راه دو شرط اصلی ایشان برای پذیرش افراد در مدرسه بود. درس‌های مدرسه به موقع برگزار می‌شد و تعطیلی کم داشت. آیت‌الله موسوی نژاد تمام وقت در مدرسه حضور داشت و خود را وقف طلبه‌ها کرده بود. ایشان همیشه در جمع شاگردان و در دسترس آنان بود. هرگاه سؤالی به لحاظ درسی یا خانوادگی می‌داشتند به آنان پاسخ

دارالتبلیغ را با تنفیذ امام خمینی<sup>۷۶</sup> به دفتر تبلیغات اسلامی واگذار کرد.<sup>۷۷</sup>

#### ● مؤسسه در راه حق

مؤسسه «در راه حق» از ادغام دو مؤسسه خیریه تعلیماتی-تحقیقاتی دینی و علمی در سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۶ ش. به مدیریت سیدمحسن خرازی تأسیس شد.<sup>۷۸</sup> این مؤسسه که در آغاز جزوه و کتاب‌هایی در رد مسیحیت منتشر می‌کرد به تدریج کار خود را در جهت تبلیغ در میان نسل جوان گسترش داد. بیشترین کار این مؤسسه برمسائل اعتقادی و پاسخ به شبهه‌های جدید متمرکز بود. شهید بهشتی نیز در تهیه جزوات با آنان همکاری داشت. استاد مصباح‌یزدی از افراد مؤثر در این مجموعه بود و تجارب مدرسه حقانی بر توانایی وی در این مهم افزود.<sup>۷۹</sup> به توصیه شهید مطهری، (۱۳۵۸ش) توجه و تمرکز ویژه‌ای بر سؤالات تکراری و مهم باز کردند و در این زمینه از آیت‌الله استاد مکارم‌شیرازی کمک گرفتند و به کمک او، یک دوره بیست شماره‌ای درباره ازدواج، تعدد زوجات، صوفی‌گری، تناسخ و... انتشار یافت. دوره‌های آموزشی برای طلاب درباره مسائل اعتقادی و نیز پاسخ به پرسش‌های اعتقادی رسیده از سراسر جهان از دیگر فعالیت‌های مؤسسه بود.<sup>۸۰</sup>

در قم به جز این مدارس و مؤسسات نوین دیگری نیز در کار آموزش و پژوهش و تبلیغ بوده‌اند از جمله مدرسه رسالت،<sup>۸۱</sup> مؤسسه نهج‌البلاغه، مکتب توحید به هدف

و مشاوره می‌داد. مدرسه تعطیلی کم داشت. طلبه غایب از درس بدون مراجعه به دفتر مدرسه و پذیرش عذر وی نمی‌توانست در درس شرکت کند. درس اخلاق این مدرسه که هرروزه ساعت هفت و نیم برگزار می‌شد جالب توجه بود. نماز جماعت با شرکت استادان و مدیران مدرسه و طلاب در مدرسه برگزار می‌شد میان دو نماز یکی از شاگردان مدرسه قدری درباره موضوعات اعتقادی یا اخلاقی سخن می‌گفت. درس‌های احکام، عقاید و کلام نیز جزو برنامه بود. کتاب‌های ادبی جدید به جای متون ادبی قدیم در برنامه بود. از جمله به جای شرح الفیه کتاب قواعده/الاساسیه نوشته سید احمد هاشمی مصری درس داده می‌شد. در دوره‌ای که نگارنده در سال‌های پیش از انقلاب در مدرسه حضور داشتم کتاب «جواهرالبلاغه» تألیف احمد هاشمی از نویسندگان الازهر به جای مطول و مختصر تفتازانی تدریس می‌شد. که هم آسان بود و هم دارای تمرین. که به گفته دست‌اندرکاران آموزش مدرسه بعدها مختصر به جای خود بازگشت. در آن دوره در مدرسه از کتاب مغنی‌اللبیب تنها باب رابع آن تدریس می‌شد و کتاب اصول مظفر و منطق مظفر از برنامه‌های رسمی مدرسه بود. این کتاب بعدها در حوزه مشهود رواج گرفت. به جای کتاب معالم کتاب اصول استنباط نوشته سید علی نقی حیدری از علمای نوپرداز کاظمین از برنامه‌های درسی بود جلد اول آن تقریباً مباحث را مانند کفایه جلو برده است و جلد دوم آن، مختصر و موجز رسائل است.

فقه و اصول در مقطع سطح تدریس می‌شد. مباحثه از ارکان درسی مدرسه بود و مدیر مدرسه بر آن نظارت داشت و افراد هم مباحثه را می‌شناخت و آنان را تشویق می‌کرد. در پایان هر دوره استادان از شاگردان امتحان شفاهی و کتبی می‌گرفتند. تمرین‌های ادبیات به جای حفظ اشعار عرب جاهلی آوردن مثال‌هایی از قرآن و سنت بود. نیز جلسات شیوه تبلیغ بر تربیت مبلغ از کارهای سازنده این مدرسه بود. دعوت از استاد مهمان نیز از برنامه‌های این نوین آموزشی بود. از جمله باید از درس‌های استاد حکمت‌نیا از علمای ساکن در اسلام‌آباد غرب (کرمانشاه) یاد کرد که به دعوت حاج آقا موسوی نژاد مدتی در مدرسه برنامه اجرا کرد. تأکید و توجه به درس موجب می‌شد که مدیران مدرسه طلاب را از مسائل مرتبط به سیاست و انقلاب دور نگه‌دارند و بهانه برای تعطیل مدرسه به دست ساواک داده نشود. برنامه‌ای که با همه تفاوت دیدگاه‌های فکری مقام معظم رهبری با آیت‌الله موسوی نژاد مورد تأیید مقام معظم رهبری نیز بود و طلابی که از مدرسه موسوی نژاد با ایشان در ارتباط بودند را از تندروی بازمی‌داشت.<sup>۸۳</sup>

بخش بزرگی از شاگردان این مدرسه پس از انقلاب جذب قوه قضائیه مدرس و مبلغ شدند. نیز دست‌پروردگان مدرسه فعالیت‌های مثبتی در زمان جنگ تحمیلی داشته‌اند، آیت‌الله موسوی نژاد نیز با حضور گرم خود در جبهه‌های دفاع از اسلام و انقلاب در کنار دل‌گرم کردن رزمندگان راه را به سایر

شاگردان را راهنمایی می‌کرد. این جانب با شیخ محمدحسن نجفی از طلاب عبدالآباد محولات، شریک بحث و تحقیق بودم. جلسات هنرهای تبلیغی و تمرین منبر نیز از دیگر برنامه‌های معظم‌له بود. درس مکاسب ایشان که در مسجد رضائیه منظم و پربار بود. استاد هرروز نقطه‌های مهم درس قبلی، متن و محتوا را از شاگردان می‌پرسیدند و افرادی که خوب تقریر می‌کردند مورد تشویق قرار می‌گرفتند. استاد گاه به شاگردان مسن که در آخر به دیوار تکیه می‌دادند به مزاح می‌گفت: اصحاب الجدار هم می‌توانند پاسخ بگویند. استاد بر ادبیات و درست‌خوانی متون تأکید داشت و در پاسخ برخی از انقلابیون که درس‌ها را جدی نمی‌گرفتند بر حدیث درس تأکید داشت و همواره می‌فرمود: بی‌مایه فطیر است. شیخ علی اسماعیلی از طلبه‌های روستای کریم کوهسرخ کاشمر که در سال ۱۳۵۴ روزی در درس معظم‌له حاضر شده بود در خاطرات خود نوشته است:

به اتفاق دوستم پای درس حاضر شدیم استاد (آیت‌الله خامنه‌ای) تشریف آوردند و در جایگاه خود نشستند، به یکی از شاگردان فرمودند: عبارت بخوان. وی مقداری از عبارات مکاسب را خواند. بعد جمله‌ای را از جهت ادبی و اعراب اشتباه خواند. استاد حرف او را قطع کردند و توضیحاتی پیرامون ادبیات و تأثیر آن در فهم عبارات عربی دادند. گلایه کردند و فرمودند: شما یک طلبه مکاسب‌خوان هستید و نباید عبارت را غلط بخوانید. فردا

طلاب نشان می‌دادند. مجله در شماره ۱۴۶ خود مصاحبه‌ای با رئیس این مدرسه تحت عنوان برگ‌هایی از یک تجربه مدیریتی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین استاد حاج سیدمحمد موسوی‌نژاد، انجام و منتشر کرده است.

● **درس‌های مقام معظم رهبری در حوزه مشهد**  
مقام معظم رهبری در تحول حوزه مشهد نقش آفرین بودند. ایشان در عین نمایندگی امام خمینی و رهبری مبارزه در خراسان، مدرس حوزه بودند و درس مکاسب، کفایه و تفسیر و کلام تدریس می‌کردند. درس‌های معظم‌له که این جانب توفیق شرکت در چند درس از جمله درس مکاسب، کلام جدید و نهج‌البلاغه و تمرین منبر آن را داشتم، انسان‌ساز و طلبه‌پرور بود. در درس‌های خود طلاب را به رسالت اصلی و پیامبرانه خود متوجه می‌ساختند و به آنان یادآور می‌شدند به اهداف خرد و اندک بسنده نکرده و خود را برای مرزبانی از دین و پیاده کردن شریعت در جامعه آماده سازند. ایشان افزون بر درس فقه و اصول در حوزه مشهد درس تفسیر، حدیث، نهج‌البلاغه، کلام قدیم و کلام جدید می‌گفتند. در کلام جدید که این جانب توفیق شرکت در آن داشتم جمعی حدود بیست نفر شرکت داشتند. کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* علامه طباطبایی متن درس بود. دونفر دونفر باهم کار می‌کردند. درس نوشته می‌شد و استاد بر مطالب نوشته‌شده نظارت داشت و آن را مطالعه می‌کرد و



تبلیغی محرم و یا ماه رمضان برای طلاب مفصل سخن می‌گفتند و آنان را راهنمایی می‌کردند.

استاد سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد (شهادت ۱۳۶۰) نیز درس اقتصادی مقایسه‌ای تدریس می‌کرد. این درس در مسجدی کوچک در کوچه میرعلمخان چهارباغ با حضور عده‌ای از طلاب برگزار می‌شد و طلاب درس‌ها را می‌نوشتند. نگارنده در این دوره از این درس که در سال‌های منتهی به انقلاب برگزار می‌شد نیز شرکت داشت.

#### ● **خاستگاه انقلاب**

انقلاب اسلامی ایران، تحولی بنیادین در جامعه معاصر ایران و جهان ایجاد کرد و نظامی براساس اندیشه اسلامی و برخاسته از مبانی نگرش اجتهادی با هدایت و تدابیر امام خمینی شکل گرفت. این تحول گسترده، به استوانه‌های فکری نیازمند بود که افزون بر مبارزه با رژیم متکی به ابرقدرت جهانی نظام‌سازی کند و توان‌مندی‌های اقتصادی، اجتماعی برای تداوم راه خود فراهم سازد بدون تردید روحانیت و حوزه خاستگاه این نظام بود. روش آموزشی شیخ عبدالکریم حائری و پس از وی آیت‌الله بروجردی برای تربیت

می‌خواهید منبر بروید و سخنرانی کنید، اگر به‌عنوان یک طلبه انقلابی و روشن‌فکر مطلب درستی هم بگویید لکن ابتدای منبر یا حین سخنرانی آیه یا روایتی را از لحاظ ادبی غلط بخوانید صحبت شما کم‌اثر خواهد شد و ممکن است بگویند: فلانی بی‌سواد است. لذا یک طلبه روشن‌فکر باید ادبیات را خوب بخواند. باید فن بیان و سخن‌گفتن را بلد باشد. باید نوشتن و روان‌نوشتن بداند و در این رابطه می‌توان از سخنرانی‌های جناب آقای فلسفی (واعظ فلسفی) استفاده نمود. می‌توان از سخنرانی و نوشته‌های دکتر شریعتی استفاده کرد. بعد فرمودند: البته من به محتوای آن کارندارم مطالب خوبی هم دارد. اشتباهات فراوانی هم ممکن است داشته باشد. مقصودم فقط از جهت شکل سخن و

نوشته‌های ایشان است. این‌ها را که می‌گویم نه این که روی فقه و اصول کار نکنیم. آن‌ها اصل است و این‌ها حاشیه کار که لازم هم هست. همین الآن که من با شما صحبت می‌کنم به اندازه وزن هریک از شماها نوشته‌های فقهی و اصولی دارم که اگر باور ندارید می‌توانید تشریف بیاورید منزل و تو گنجه خانه‌مان آن‌ها را به شما نشان می‌دهند و شما ببینید.<sup>۸۴</sup> استاد در آستانه تعطیلات تابستان یا مناسبت‌های

● اگر به‌عنوان یک طلبه انقلابی و روشن‌فکر مطلب درستی هم بگویید لکن ابتدای منبر یا حین سخنرانی آیه یا روایتی را از لحاظ ادبی غلط بخوانید صحبت شما کم‌اثر خواهد شد و ممکن است بگویند: فلانی بی‌سواد است. لذا یک طلبه روشن‌فکر باید ادبیات را خوب بخواند. باید فن بیان و سخن‌گفتن را بلد باشد. باید نوشتن و روان‌نوشتن بداند و در این رابطه می‌توان از سخنرانی‌های جناب آقای فلسفی (واعظ فلسفی) استفاده نمود.



باورها و اعتقادات دینی و توجه به نیازهای زمان و نگرش جامع، عقلانی و اجتماعی نسبت به اسلام در عرصه مبارزات فرهنگی و سیاسی حاضر شد و با استفاده از فضاها و فرهنگ‌های مطبوعاتی زمینه‌های فرهنگی تحول انقلابی را فراهم آورد.<sup>۸۶</sup> تدوین کتاب «ولایت فقیه یا حکومت اسلامی» مجموعه درس‌های فقه امام خمینی در نجف به‌عنوان یکی از قسمت‌های مهم مبانی نظری انقلاب، در دهه منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیر عمده‌ای در ترسیم چهارچوب حکومت‌جانشین رژیم پهلوی و برانگیختن احساس وظیفه برای حضور انقلابی داشت.

این تحول بی‌بدیل در تاریخ حوزه‌ها در مقایسه با نهضت مشروطه و نهضت ملی نفت که آن‌ها با پایمردی روحانیت رقم خود بی‌بدیل بود. فعالیت حوزه‌ها در دهه بیست به‌ویژه پس از سقوط رضا شاه، تأسیس مدارس جدید حوزوی با رویکرد آموزشی نوین و نگاهی جهان‌شمول نسلی انقلابی و فعال را در حوزه‌های علمیه به‌وجود آورد که با تکیه بر باورها و اعتقادات دینی و توجه به نیازهای زمان و نگرش جامع، عقلانی و اجتماعی نسبت به اسلام در عرصه مبارزات فرهنگی و سیاسی حاضر شد و با استفاده از فضاها و فرهنگ‌های مطبوعاتی زمینه‌های فرهنگی تحول انقلابی را فراهم آورد.

نسلی فقیه، متفکر، پارسا و انقلابی از علما که افزون‌بر فهم فقیهانه دین توان مواجهه فکری و اجتماعی با جریان‌های معارض را داشته باشند در تکوین انقلاب و آماده‌کردن هسته‌های اصلی آن مؤثر بود. چه امام خمینی دست‌پرونده حاج شیخ بود و مکرر می‌گفت: اگر وی امروز زنده بود همان کاری که من کردم وی نیز انجام می‌داد.<sup>۸۵</sup> یاران انقلابی و استوار امام خمینی مانند: شهید بهشتی، استاد مطهری، ربانی شیرازی، حسینعلی منتظری، سیدعبدالحسین دستغیب، شیخ محمد صدوقی و اشرفی‌اصفهانی، سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد،

سیدعلی خامنه‌ای، و هزاران طلبه فاضل دست‌پرونده حوزه درسی حائری و بروجردی بودند و در مکتب امام خمینی بالیدند و این تحول بی‌بدیل در تاریخ حوزه‌ها در مقایسه با نهضت مشروطه و نهضت ملی نفت که آن‌ها با پایمردی روحانیت رقم خود بی‌بدیل بود. فعالیت حوزه‌ها در دهه بیست به‌ویژه پس از سقوط رضا شاه، تأسیس مدارس جدید حوزوی با رویکرد آموزشی نوین و نگاهی جهان‌شمول نسلی انقلابی و فعال را در حوزه‌های علمیه به‌وجود آورد که با تکیه بر

### پی‌نوشت:

- \* نویسنده و پژوهشگر.
۱. آثار الحجه ج ۱، ص ۲۱.
  ۲. مجله حوزه، شماره ۳۴، ص ۶۲.
  ۳. همان، شماره ۳۱، ص ۵۷، مصاحبه با آیت الله مشکوة
  ۴. مجله حوزه، شماره ۱۶، ص ۳۷، آثار الحجه، ج ۱۴۴/۲.
  ۵. حوزه علمیه، تاریخ، ساختار و کارکردها، ص ۵۲.
  ۶. حوزه علمیه، تاریخ، ساختار و کارکرد، ص ۵۴.
  ۷. صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۴۲۷.

۸. مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱۴، ص ۵۴۰.
۹. پابه پای آفتاب ج ۳، ص ۲۲۰ و ج ۴، ص ۱۹۳.
۱۰. آئینه پژوهش شماره ۵۸، ص ۷.
۱۱. آئینه دانشوران، ص ۱۴۳.
۱۲. پابه پای آفتاب ج ۴، ص ۲۴۰-۲۴۲.
۱۳. تقریرات فلسفه امام خمینی، مقدمه ص ۱۱.
۱۴. پابه پای آفتاب ج ۴، ص ۷۱، شرح چهل حدیث، ص ۳.
۱۵. آینه دانشوران، ص ۴۷۹.
۱۶. بیست سال، تکاپوی اسلام شیعی، ایران، ص ۳۱، ص ۳۶۱.
۱۷. نقباء البشر، ج ۳، ص ۹۹۴.
۱۸. خاطرات آیت الله صابری همدانی، ص ۷۸-۷۹.
۱۹. تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، ص ۲۰۹.
۲۰. حوزه شماره ۴۳-۴۴، ص ۲۷.
۲۱. همان، ص ۴.
۲۲. یاران صادق، ۲۳۵؛ حوزه، شماره ۴۳ - ۴۴، ص ۲۵۵.
۲۳. هفتاد سال خاطره، ص ۱۰۲.
۲۴. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷-۲۸.
۲۵. حوزه شماره ۴۳-۴۴، ص ۴۴-۴۷.
۲۶. مفاخر اسلام، ج ۱۲، ص ۲۲۶.
۲۷. زندگی نامه سیاسی امام خمینی، ص ۲۲۷.
۲۸. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۹.
۲۹. خاطرات آیت الله مهدوی کنی، ص ۸۳.
۳۰. حوزه شماره ۴۳-۴۴. مصاحبه با واعظزاده.
۳۱. مفاخر اسلام، ج ۱۳، ص ۲۰۵.
۳۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۹.
۳۳. پرتو آفتاب، ص ۱۶۷.
۳۴. به استناد اظهارات آقایان دوانی و خلخالی، امر سیاسی مذکور بحث پیرامون مسئله مجلس مؤسسان بوده است.
۳۵. ولایت فقیه ص ۱۴۳-۱۴۴.
۳۶. جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۰۷.
۳۷. همان، ص ۳۰۹.
۳۸. گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۹۹-۱۰۱.
۳۹. خاطرات آیت الله سید حسین موسوی تبریزی (دفتر اول)؛ ص ۲۰۳-۲۰۵.
۴۰. خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، ص ۷۸، سخن علی محمدی تاکندی و خاطرات آیت الله خلخالی، ج ۱، ص ۵۶.
۴۱. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، مقدمه.
۴۲. نور علم شماره ۴، ص ۲-۱۹؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۱۲.
۴۳. نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲-۴.
۴۴. روزنامه ی کیهان، ۱۳۶۱/۴/۸.
۴۵. شاهد یاران، شماره ۵، ص ۳۸.
۴۶. مجله حوزه، سال ۹ شماره ۴.
۴۷. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۵۸.
۴۸. حوزه شماره ۵۲، ص ۴۶.
۴۹. تاریخ شفاهی مدرسه حقانی، ص ۵۳.
۵۰. همان، ص ۷۹.
۵۱. خاطرات احمدی میانجی، ص ۴۲، تاریخ شفاهی مدرسه حقانی، ص ۱۱۴.
۵۲. تاریخ شفاهی مدرسه ی حقانی، ج ۱، ص ۱۰۳.
۵۳. رواق اندیشه، شماره ۴۴، ص ۱۳. مقاله: نظری کوتاه بر جنبش نواندیشی دینی در حوزه های علمی ایرانی در نیمه دوم قرن بیستم. نوشته اراکی.
۵۴. تاریخ شفاهی مدرسه حقانی، ص ۱۱۶.
۵۵. همان، ص ۱۲۴.
۵۶. تاریخ شفاهی زندگانی و خدمات اجتماعی فرهنگی آیت الله حائری تهرانی، ص ۶۹.
۵۷. شاهد یاران، شماره ۳۸، ص ۹۲-۱۳۸.

۵۸. حدیث ولایت، بیانات ۱۳۷۰، ص ۴۷۷.
۵۹. خاطرات حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، ص ۹۲.
۶۰. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران ص ۳۳۸.
۶۱. خاطرات حجه الاسلام حسن روحانی، ص ۹۶-۹۷.
۶۲. همان، ص ۱۰۱، خاطرات ری شهری، ص ۲۶.
۶۳. خاطرات حجة الاسلام حسن روحانی، ص ۹۹-۱۰۷.
۶۴. همان، ص ۹۸-۱۷۲.
۶۵. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۶۲.
۶۶. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، ص ۳۲۷.
۶۷. همان (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، ص ۳۲۸.
۶۸. همان (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، ص ۳۲۸.
۶۹. گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۱۷.
۷۰. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، ص ۳۴۰.
۷۱. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، ص ۳۳۱. مفاخر اسلام، ج ۱۳، ص ۱۵۳-۱۵۲.
۷۲. همان (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، ص ۳۳۰.
۷۳. همان (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، ص ۳۳۲.
۷۴. همان (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، ص ۳۳۲.
۷۵. کودتای نوژه، ص ۱۷۱-۱۷۴ و ۳۷۴ و خاطره‌ها ج ۱، ص ۹۰.
۷۶. صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۱۹۱.
۷۷. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۱/۲/۱. صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۲۹، اسفند سال ۱۳۶۱.
۷۸. خاطرات شیخ رضا استادی، ص ۱۹۵.
۷۹. خاطرات شیخ رضا استادی، ص ۱۹۵-۱۹۸ و ۲۰۰.
- جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، ص ۳۲۲.
۸۰. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران ص ۳۳۵-۳۳۶.
۸۱. کیهان فرهنگی، شماره ۹۹، ص ۸-۱۰؛ ۱۳۸۸. مصاحبه با خانم زهره صفاتی.
۸۲. نگارنده در این ارتباط خاطرات نابیهه یاد دارم.
۸۳. خاطرات زیبا، ص ۳۹-۴۰.
۸۴. حوزه، شماره ۱۲، ص ۱۲.
۸۵. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، ص ۱۹۰-۱۶۳.



